

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تهیه و نگارش از: دیپلوم انجنیر نسرین معروفی
۲۰ دسمبر ۲۰۱۹

معرفی "جو هیل" شاعر سروده "دختر شورشی"

"دختر شورشی"

در این جهان عجیبی که ما می شناسیم
زنان به گونه‌های مختلفی هستند
بعضی‌های شان در قصرهای باشکوه زندگانی می کنند
و لباس‌های گران می پوشند
ملکه‌ها و شاهدخت‌ها نیز بسیارند
با جواهرات و الماس‌های درخشان،
اما ارجمندترین زنان، دختر شورشی است
اوست دختر شورشی، دختر شورشی
او از تبار کارگران است: نیروی جهان
از جورجیا تا مانی، او برای من و تو می رزم
آری، او در کنار تو با تمام جرأت و غرورش است
او در همه جا در نابرابری به سر می برد
و من می بالم که در کنار او مبارزه کنم
آری، اگرچه دستانش از کار آبله بسته است
و لباس‌هایش چندان مناسب نیستند
اما برای طبقه خود، در سینه قلبی صادق و تپنده دارد
و کارفرمایان می دانند که نمی توانند او را تغییر دهند
پس باید در دفاع از کارگران جهان بمیرد
آری، ارجمندترین زنان دختر شورشی است

خوانندگان عزیز!

به ارتباط شعر "دختر شورشی" که به تاریخ ۱۹ دسمبر ۲۰۱۹ تحت عنوان زنان انقلابی که در پورتال به نشر سپرده شده بود، می خواهم مختصر شاعری شعر "دختر شورشی" را که بهترین سروده اش با الهام از مبارزات "الیزابت گرلی فلین" که یکی از رهبران جنبش ایالات متحده است و در سال ۱۹۱۱ سروده شده، معرفی نمایم.



"جو هیل" با نام اصلی "جوزف وندر هلستروم" ترانه سرا و شهید جنبش سوسیالیستی کارگران در هفتم اکتوبر سال ۱۸۷۹ در "کاول" سویدن به دنیا آمد. وی در جوانی به مبارزه علیه نابرابری های طبقاتی پرداخت و سالها بعد به عضویت کارگران صنعتی جهان درآمد و وی یکی از کادرهای مهم این سازمان کارگری شد. زندگانی "جو هیل" با پدر و مادر و برادرش توأم با غربت و ناداری می گذشت، "جو" از اوان کودکی به کارهای سخت کارخانه روی آورد و بعد که کمی بزرگتر شد در معادن زغال سنگ به کار مشغول شد. وی بعد از مرگ پدر و مادرش در سال ۱۹۰۲ تصمیم گرفت تا با برادرش از سویدن با رؤیای کار خوب و پول زیاد و زندگانی بهتر وارد نیویارک شود. در امریکا با آنچه که این دو نفر مشاهده می کردند به هیچ وجه با آن سازگاری نداشتند. "جو هیل" در یکی از بدترین محله های نیویارک در یک مشروب فروشی به نظافت تشنابها مشغول شد و همزمان به سرودن شعر پرداخت. او بعد ها از نیویارک خارج شد و به مناطق مختلف امریکا سفر کرد. وی در هر کجا به هر کاری که مشغول می شد، سعی می کرد کارگران را متحد نماید تا برای تغییر شرایط شان دست به اعتراض و یا اعتصاب بزنند و بارها به خاطراینگونه فعالیتها از کاراخراج شد. "جو هیل" به همراه دیگر اعضای سازمان کارگران صنعتی جهان مصمم بودند تا از انقلاب دهقانی مکزیکو دفاع کنند. بین سالهای ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۲ "جو هیل" در تمام مبارزات کارگری که سازمان کارگران صنعتی سازماندهی می کرد حضور فعال داشته و از رهبران تظاهرات کارگری بوده است. سیاست سازمان برای جذب توده ها و جلب توجه به مسائل کارگری بر آن قرار گرفته بود تا از موسیقی برای اینکار استفاده بیشتری بکند. جو در این مورد می گوید: **یک اطلاعیہ هرچقدر هم که عالی نوشته شده باشد بیش از یک بار خوانده نمی شود، اما مردم ترانه ها را به خاطر می سپارند و آنها را بارها با خود زمزمه می کنند.**

سرانجام برای این که مقامات امریکا از شر وی خلاص شوند، توطئه ای ترتیب دادند و او را به قتل یک خبرچین پولیس متهم کردند و در ۱۰ جنوری ۱۹۱۴ به زندانش انداختند. با انتشار خبر دستگیری "جو هیل" کارگران اتحادیه های کارگری ایالات متحده و بسیاری از کشورهای جهان خواهان آزادی وی شدند و در برخی از کشورها، اتحادیه های کارگری به حمایت از او دست به تظاهرات وسیع زدند اما دادگاه ایالت "یوتا" با وجودی که هیچ سندی برای اثبات اتهام وارد شده علیه وی نداشت جو هیل را به اعدام محکوم نمود.

فرماندار ایالت "یوتا" به مثابه نماینده سرمایه داران که از این کارگر مبارز کینه عمیقی به دل داشت تمام درخواستها را نادیده گرفت و حکم اعدام وی را امضاء کرد و همین بود که "جو هیل" را در سحرگاه ۱۹ نومبر ۱۹۱۵ در زندان اعدام کردند. جسد او را به سرعت به شیکاگو که مرکز سازمان کارگران جهان بود منتقل کردند. جمعیت انبوهی دنبال تابوت وی می رفتند و حدود سه هزار نفر ترانه های "جو هیل" از جمله «... برای من گریه نکنید، سازماندهی کنید» و «کارگران جهان به پا خیزید» ... را می خواندند. طبق خواسته خودش جسدش سوزانده شد و خاکسترش در اول ماه می سال بعد به وسیله اعضای I.W.W در سرزمین های زیادی پخش شد. در تشییع جنازه او بیش از ۳۰ هزار نفر شرکت کرده بودند.

روزنامه ای در باره جسد وی چنین می نگارد: "این کیست که مرگش با سروده های انقلابی جشن گرفته می شود و در کنار تابویش جمعیتی بیشتر از عزاداران پادشاهان، رهبران دولتها شرکت دارند"

"جو هیل" در وصیت نامه اش که آن را به یکی از محافظان زندان داده بود چنین نوشت:

– در مورد میراث من به سادگی می شود تصمیم گرفت، چرا که من آهی در بساط نداشته تا آن را قسمت کنم

– خوبشاوندام نیز آه و زاری نکنند

– خزه بر سنگ های روان نمی روید

– جسد مرا؟

– آه،

– اگر می توانستم در موردش تصمیم بگیرم

به سوختن راضی بودم

و خاکسترش را

به نسیم بهاری می سپردم

تا آن را به هر کجا که گلی در حال پژمردن است بپاشند

شاید دوباره به زندگی بازگردد

این آخرین وصیت من است

پیروز باشید